



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

جوانان کمونیست ۱۱۸

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱۱ آذر ۱۳۸۲

۲ دسامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

www.jawanan.org

سرمدیر: مصطفی صابر

تراژدی بعدی عراق سروش دانش

چند ماهی است که از حمله آمریکا به عراق و ماجراجویی های بوش و بلر در عراق گذشته است. بعد از نسل کشی که در عراق راه انداختند و بمب را بیرحمانه غذای شب و روز مردم کردند، هنوز اوضاع متشنج است و روز به روز هم بیشتر رویه سیاهی میورد..

. آمریکا با مساله ای که مواجه است پذیرفتن آمریکایی ها به عنوان حاکم عراق است. طی هفته های گذشته حاکم آمریکایی عراق طی یک نشست چند ساعتی با بوش و اعوان و انصار در کاخ سفید اعلام کرد که آمریکا میخواهد برای عراق یک حاکم عراقی برگزیند و به تدریج سرایان خود را خارج نماید! آیا حاکمان کاخ سفید به صفحه ۶



۱۶ آذر: خیابانها مال ماست!

رژیم حساسی ترسیده، تحت فشار بین المللی است. کارگران پتروشیمی گام به گام به سوی یک اعتصاب سراسری جدی گام بر میدارند. در نفت زمزمه اعتصاب شنیده میشود. معلم ها و پرستاران منتظر چنین حرکتی هستند تا بلافاصله به آن بپیوندند. کارگران نساجی دیگر چیزی جز خشم و نفرت نیستند. زنان از حجاب ها و تحقیرها دیگر جانشان به لب رسیده است... ۱۶ آذر در این اوضاع نزدیک میشود. باید اهمیت آنرا درک کرد. باید دانست که میتوانست استراتژیک یک سلسله تحولات عظیم تر باشد. باید ضعف رژیم را دید. باید هوشیارانه به میدان آمد. وعده ما جلوی دانشگاههای سراسر کشور. شعار ما مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی برابری.



فواد

عبداللهی از یک «زندانی» به کنگره ۴ حزب

شانس شرکت در این کنگره برای من از یک درصد هم کمتر است. خیلی ساده است چون پناهجو هستم و در یکی از صدها زندان بورژوازی (کشورها و مرزها) گیر کرده ام. بلا تکلیفی که بدان دچار شده ام امیدوارم نصیب دشمنان من هم نگردد!

همین ضد انقلاب را به حساب انقلاب گذاشتند. امروز، مرگ خلخالی فرصتی داد تا یکبار دیگر کسانی چون آقای بهنود از توره این بزرگترین دروغ قرن بیستم، یعنی جلوه دادن سرکوب انقلاب ایران به عنوان یک انقلاب، لقمه برگزیند:

«با مرگ صادق خلخالی که زمانی در نظر جهانیان نماینده و مظهر آخرین انقلاب کلاسیک قرن بیستم و شاید تاریخی جهانی بود، این سوال همچنان بی پاسخ مانده است که آیا این انقلاب ها هستند که این چنین کسان را میسازند و یا این آدمیان هستند که چنان انقلاب هایی را شکل میدهند.»

پاسخ البته روشن است. خمینی ها و خلخالی ها را نه انقلابات، نه مردم، که ضد انقلابات یعنی کنفرانس گوادولوپ، دول سرمایه داری جهانی، و همین امثال بی بی سی و پادوهای مزور آن ساختند. در ضمن انقلابات «کلاسیک» دیگری در جریان شکل گیری است تا کل این بساط و وارونه و دروغین را برچینند. انقلابی که اکنون در ایران علیرغم تلاشهای امثال خاتمی خلخالی، حجاریان و بهنودها شکل میگیرد تازه اولین آنها خواهد بود!



اما بی بی سی به این چیزها عادت دارد. مگر همین خلخالی دیوانه و جانی، حکم میرغضبی اش را از خمینی ای نگرفته بود که بی بی سی با آن مهارت در ماه اش کرده بود؟ آنوقت هم ژورنالیست های بسیار لطیف و «شریف» مثل آقای بهنود پشت دستگاہ نشسته بودند. آنوقت هم مثل امروز ترس از یک انقلاب بود. انقلابی که شاه نتوانست از پس آن برآید. پس یک ضد انقلاب وحشی و خونخوار یعنی جریان اسلامی و اپوزیسیون سنتی به رهبری خمینی را به اسم انقلاب به قدرت رسانند. و بعد هم با کمال وقاحت طلبکار از کار درآیند و قتل و کشت و کشتار

خلخالی مرد!

بی بی سی زنده است!

مصطفی صابر

و لطیف و صلح جویی که تیتیر بالا را نوشته (آقای بهنود؟) کنار آقای اعدام جهان در صف واحد اصلاح طلبی قرار داد؟ نه نه این واقعا بی انصافی است. حتی اکنون بعد از شکست دوم خرداد و حتی بعد از مرگ «آیت الله منزوی» شان هنوز احساس میکنند که باید آن تناقض عیان و مضحک را توضیح دهند. البته اشتباه است اگر فکر کنیم موضوع فقط به تسلی وجدان معذب این کوه های لطافت محدود است. یک نکته بسیار کم اهمیت تر هم هست. موضوع اینست که عباي شر و ور اصلاحات را دول اروپایی، دولت فخریه انگلیس و طبعا موسسه معظم بی بی سی بر دوش انداخته اند. (برای مثال همین دهم دسامبر میخواستند از کلاه جایزه صلح نوبل خرگوش «زن مسلمان» و «اسلام دمکراتیک» را درآورند). چرا؟ چونکه

وقتی خلخالی مرد، بی بی سی فارسی تیتیر زد: «آیت الله خلخالی، از انقلابی گری تا انزوا». «انقلابیگری» این جانی جمهوری اسلامی، همان اعدام هایش بود. (به گفته خودش بیش از ۵۰۰ نفر و به گفته آقای بهنود ۱۰۰۰ نفر). ولی «انزوا» طفلکی حضرت آیت الله چه بود؟ بله درست حدس زدید. وقتی که همین آدمکش اسلامی مثل سایر دوستانش اصلاح طلب شده بود، همپالکی هایش (از جمله آقای بهنود) ترجیح میدادند از او فاصله بگیرند. در نتیجه ایشان «در اواخر عمر منزوی شده بود» و تیتیر هم شد «از انقلابیگری تا انزوا».

آه باز بگویند این ژورنالیست های نوکر یک جو شرف و تعهد ندارند. چطور میشود موجود نازنین

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱
از یک «زندانی»

به هر حال کنگره نزدیک است و استرس دست بردارم نیست. بیشتر بدین خاطر است که نمی دانم در آنجا چه خواهد گذشت. شاید باورتان نشود اما تمام سر ناخن هایم را جویده ام بدون اینکه حتی عادت می به این کار داشته باشم. به نظر من صحنه سیاست در ایران آنطور که متناسب با واقعیات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است چیده شده است. دوره قدرت نمایی کارگر در صحنه سیاسی بار دیگر شروع شده است. جنبش خلاصی فرهنگی، برابری طلبی و ضد مذهبی با سرعت تمام به پیش می تازد. واقعیت چند ماه گذشته بهتر از هر استدلالی آمادگی واقعی مردم جامعه ایران را برای انقلاب بیان می کند.

کنگره، قبل از همه چیز باید چهارچوب رهبری حرکت مادی باشد که هم اکنون در جامعه ایران در این دوره معین و به اشکال مختلف، براه افتاده است و نتایج کاملاً ملموس و قابل مشاهده ای نه تنها در محدوده ایران بلکه در دنیا ببار آورده است و نهایتاً به انقلاب می انجامد.

کنگره و حزب، بیش از هر زمان در این شرایط حساس که جامعه ایران در آستانه انقلاب است، به وحدت نظر و وحدت عمل بیشتر کادرها و فعالینش نیاز دارد. وحدت عملی که ناشی از تعلق یک حزب به یک سنت مبارزاتی واحد است. تنها در آن صورت است که پتانسیل عظیمی را که برای رشد کمونیسم کارگری و گرفتن رهبری جنبش سرنگونی وجود دارد، می توان تحقق بخشید.

کنگره باید عرصه جفت شدن کمونیسم کارگری با نیروی انقلابی و مخصوصاً طبقه کارگر و یک کاسه کردن این شرایط علیه جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست پروغرب باشد.

امروز بستر اصلی دفاع از انسانیت و مدرنیسم، بیان منافع و خواسته های کارگر و زن و جوان و کودک، یک شیخ واقعی به نام کمونیسم کارگری است. قدرت این جنبش عظیم است و این کنگره باید خود را به عنوان رهبر انقلاب جامعه در حال انفجار، تثبیت کند. اگر چه این اولین کنگره بعد از منصور حکمت است اما انعکاس صدایش در کنگره به گوش خواهد خورد و کنگره بار دیگر بر افق و چشم انداز مارکسیسم-حکمتیسم تاکید خواهد کرد.

بگذار طبقات حاکمه بر خود بلرزند، آنچه می بینیم تکامل انقلاب است...

زنده باد جمهوری سوسیالیستی مرگ بر جمهوری اسلامی

این کنگره شماست!



بهرام مدرسی

بمب به آن رجوع خواهد کرد.

در این کنگره متأسفانه منصور حکمت حضور ندارد. حضور ندارد که ببیند آن واقعیات شوانگیزی که در کنگره ۳ به آنها اشاره کرد دارند اتفاق می افتند. که حزب کمونیست کارگری مصمم پرچم سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی را به دست دارد. که حزبی که او ۱۳ سال پیش بنا نهاد امروز به مرکز امید تحولات آزادیخواهانه و انسانی در ایران بدل شده است.

ما راه دیگری جز پیروزی نداریم. یا یکبار برای همیشه به نکتت سرمایه داری و رژیم اسلامی خاتمه میدهم و جهانی دیگر را میسازیم، یا اینکه ۳۰ سال دیگر شاهد قتل و کشتار و فقر و بیکاری و سرکوب استعمار خواهیم بود. نیروی ما نیروی میلیونها انسانی است که امروز در اعماق آرزوهای انسانیشان، آزادی و برابری و لغو کار مزدی را میخواهند. این کنگره این آرزوها و راه تحقق آنها را نمایندگی میکند.

تصمیمات این کنگره قطعاً آینده و سرنوشت میلیونها انسان در ایران را رقم خواهد زد.

بعنوان لایقترین، خوشنامترین و روشنبینترین کسانی که میتوانند قدرت را در ایران به دست گیرند همه معرفی کند. این کنگره باید حزب کمونیست کارگری ایران را به حزب میلیونها انسان طرفدار آزادی و انسانیت رهنمون کند.

این کنگره باید به همه کسانی که هنوز دست در دست حزب کمونیست کارگری نگذاشته اند بگوید: عزیزان یابید! این ما هستیم که متحداً و متشکل میتوانیم آینده را رقم بزنیم. که هریک از ما محق هستیم که در مورد آینده خود تصمیم بگیریم. که هریک از ما لایقتر و صلاحیتدارتر از هر به اصطلاح سیاستمدار ناسیونالیست یا سلطنتطلبی هستیم که خواب به قدرت رسیدن در تهران را میبیند. که آزادی ما تنها به دست خود ما تحقق پذیر است. که

این حزب شماست. بیانیید و دنیایی دیگر بسازیم. دنیایی که در آن دیگر کودکی گرسنگی نکشد. دنیایی که در آن فقر رخت برسته است. دنیایی که در آن کسی مجبور به فروش جان و تنش برای امرار معاش نیست. دنیایی که انسان به انسان بودنش افتخار میکند.

بیانیید نشان دهیم که در مقابل سناریوی سیاه دول غربی و ارتجاع اسلامی، بشریت آزادیخواه در ایران جامعه ای را بنا خواهد کرد که جهان خسته و متفرق از جنگ و مذهب و

جمهوری اسلامی رفتنی است. و این کنگره ۴ نشان میدهد که این حزب آمده است که بجنگد که پیروز شود و قدرت را در ایران به دست بگیرد و بماند. این کنگره به ۶۰ میلیون انسان تشنه آزادی و برابری نشان خواهد داد که راه آزادی بشریت چیست. که راه نجات از نکتت اسلامی و سرمایه داری در ایران چیست. که باید پرچم انسانیت، پرچم کمونیسم کارگری و منصور حکمت را به دست گرفت.

این کنگره تنها نمایندگی اعضای حزب کمونیست کارگری را ندارد. این کنگره همه آن انسانهای دوست داشتنی است که برابری و زندگی لایق بشر امروزی مبنای آرمان و مبارزانشان است. این کنگره همه آن جوانانی است که اسلام و رژیم اسلامی را به مصاف طلبیداند. این کنگره همه آن زنان و دخترانی است که آزادی خود را برابر با آزادی جامعه، آزادی از تمام قیدوبندهای مذهبی و ناسیونالیستی میبینند. این کنگره کارگرانی است که با مبارزات خود رژیم اسلامی را به گور خواهند سپرد و جامعه ای که مینا در آن نه فروش نیروی کار و استثمار که رشد علائق و استعدادهای بشریتی است، پیا خواهد کرد.

این کنگره قطعاً کارهای بزرگی برای انجام خواهد داشت. باید کل رهبری حزب کمونیست کارگری را

رویدادهای

هفته

اسعد کوشا

برنامه جدید کارنو اسلامی

جمهوری اسلامی طرحهای اقتصادی خود را با حکم معروف خمینی «اقتصاد مال خر است» آغاز کرد. جناب رفسنجانی اولین برنامه پنج ساله ایشان را به اجرا گذاشت و مشتتی حاجی شکمبار، و آقازاده هایشان (از جمله محسن و یاسر رفسنجانی) را بقیمت چپاول سرفه کارگران و دیگر بردگان مزدی به سطح ثروتمندترین جانوران باغ وحش بازار آزاد سرمایه داری رساند. در دوران سردار سازندگی، قویترین مافیای اقتصادی-اسلامی-تروویستی در خاورمیانه بنا نهاده شد، کنترل آقایان بر منابع اقتصادی بالمنابع بود و خطر سرنگونی بیخ گوششان نبود. با اینحال هر از چندگاهی خبر از اختلاس و متواری شدن مسئول پروژه ای کلان به مطبوعات درز میکرد. اکنون که دیگر این اختلاسها

و متواری شدن آنها به نرم ملینیه فاضلاب اسلامی بدل شده است.

این روزها سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمهوری اسلامی (متخصص در طراحی چپالوهای کلان)، پیش نویس لایحه برنامه پنج ساله چهارم «توسعه» اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تهیه و برای تصویب به هیئت دولت فرستاده است.

نگاهی اجمالی به این طرح خبر از چوب حراج زدن به موسسات و پروژه های دولتی تحت عنوان خصوصی سازی و مشارکت سرمایه های خصوصی دارد. همان طرحهایی که در چند سال اخیر باعث بیکاری و بیخانمانی هزاران کارگر و عدم پرداخت مزد صدها هزار کارگر در سراسر ایران شده است. و اقتصاد ورشکسته سرمایه داری در ایران را به یک کازینوی حلال اسلامی تبدیل کرده است. صاحبان صنایع و توتنهای خود را به دلار تبدیل میکنند و اگر نتوانند به اروپا و کانادا هجرت کبری کنند، سر از امارات درمیآوردند تا امام زمانشان فرجی حاصل فرمایند. ممکن است هیاهوی برنامه پنج ساله داشتن رژیم برخی شرکتهای ورشکسته اروپایی را امیلوارکند، لیکن آنچه که به کارگران

و مردم حطقی زده ایران امید رهائی از فلاکت اقتصادی و نظام بردگی مزدی میدهد، همانا نوید انقلابی عظیم و خلیفه برانداز در اولین پیچ تاریخی پیش روی میباید. روزی که مردم، طرحهای پنج ساله این زالوها را به گردنشان بباندازند و تک تکشان را به محاکمه بکشند دور نیست.

آرزوی طول عمر!

با شنیدن خبر مرگ خلالی میرغضب پرودگار روی زمین، احساس متناقضی به انسان دست میدهد. از یکسو زمینی که این جانور روی آن راه میرفت نفسی تازه میکند و فضا سبزتر میشود. از سوی دیگر غبارغم بر دلهایی مینشیند که آرزوی دین چهره جنایتکار این مرد مقدس خدا پشت میز محاکمه نه بعنوان حاکم شرع، بلکه بعنوان جنایتکار علیه بشریت را داشتند. دو خرداویها با تلف شدن تک به تک چهره های شاخص ترور و جنایت اسلامی، آرزوی به فراموشی گرویدن سهم بقیه حضرات از جنایات رژیمشان را در سر میپروراند. بشریت آزادیخواه و برابری طلب هم آرزوی بقا و طو عمر این جانوران ماقبل بشریت را دارد تا در دادگاههای

تراژدی بعدی عراق

از صفحه ۱

همین راحتی دست میکشند؟ مسلماً آمریکا از این بدش نمی آید که حکومتی از جنبش کثیف «جمهوری اسلامی» در عراق راه بیندازد. چه چیز بهتر از چیزی مانند جمهوری اسلامی که هم آفندر باج بده هست که منافع آمریکا تامین کند و هم سرکوبگر که حماقل برای مدتی جنبش های آزادی خواهی و برابری طلبی را خنثی کند. در حال حاضر توده ای های عراق (حزب شیوعی) با اسلامیت ها متحد شده اند و علناً از هم دفاع میکنند.

در این وضعیت نامتعادل و قبل از ریشه گرفتن آمریکا و حکومت آن در عراق وظیفه هر انسان آزادیخواهی و خصوصاً حزب کمونیست کارگری عراق و ایران است که نگارند تراژدی جمهوری اسلامی (یا شبیه آن) در عراق پیاده شود. که تازه بعد از چندی سال مردم آنجا مثل ایران به فکر براندازی آن باشند. نباید اجازه داد اصلاً چنین حکومت هایی در عراق پا بگیرد. باید با صریح گویی هویت لجن بار اسلامیت ها و آمریکایی ها و ناسیونالیست ها را فاش کرد. باید کمونیسم کارگری را در عراق باز کرد تا همه مردم بدانند چه چیزی حق آنهاست. باید راه دنیایی بهتر و آزاد و برابر را به مردم نشان داد و با یک تشکل قوی جنگ با هر خرافه و مذهب زدگی و زیر یوغ استثمار رفتن را شروع کرد. وظیفه ما در حال حاضر این است. شاید بگویند الان کمونیسم برای یک کشور بحران زده مثل عراق زود است. اینها باید بدانند که آب به آسیاب دشمن میریزند. اگر آمریکا و حکومت نوع اسلامی اش (یا یک ملغمه ای) در عراق پا بگیرد همه آزادی خواهان قتل عام میشوند. امروز روزی است که باید قدرت کمونیسم کارگری را به رخ کشید.

عادلانه و مردمی و جلوی دوربین و جهانیان، مبشرین و مجریان احکام الهی را به جرم ارتکاب فجیعتین جنایات علیه بشریت به محاکمه بکشیم، تا خامنه ای ها از احکام اسلامی دارالخلیفه دفاع کند و خاتمی از مزایای تمدن اسلامی (سنگسار عشاق) بلبل زبانی کند. در این دادگاهها از تونی بلر و اربابان آمریکائیش، شرویلر و همستان اروپایی آن و سران روسیه و دیگران بعنوان شرکای جرم دارالجنایت اسلامی نامبرده خواهد شد و علیه آنان اقامه دعوی خواهد شد.

خوش به حالت که اونجایی. دروغ بهت نگم شاید آگه من هم اونجا بودم اجازه رفتن نداشتیم. قضیه کوی دانشگاه من اونجا بودم، ولی با اینحال خانواده یک هفته منو تو خونه زندانی کرد... هرچند داداشم کم کاری نکردند... ولی بازم خوش بحالت که اونجایی. مواظب خودت باش که اینبار باتوم برقی نخوری!!!!!!

مینا متالیکا (چند روز بعد): در دانشگاههای ایران این خبر پخش شد است که هر کس در تظاهرات ۱۶ آذر دستگیر شود از ادامه تحصیل محروم می شود، با این حرفها و دستگیریهایی شدید رژیم در تیر گذشته آیا فکر می کنید کسی امسال برود؟؟ من اینطور فکر نمی کنم اما بهرحال من شرکت می کنم، به امید روزی که شر این حکومت از سر ما کم شود

اقبال: یک شگرد و تاکتیک همیشگی حکومتها برای بقا ایجاد ترس و رعب در جامعه است و این شرایط روانی کمک به مهار و سرکوب اعتراض مخالفین می کند اما هم باید رژیم را بترسانیم، کاری که در تظاهراتی دیگه کردیم، اما نکته اصلی به نظر من اینست که طی ۴ سال از کشمکش میان جمهوری اسلامی و جنبش دانشجویی هر بار رژیم عقب رفت و جنبش پیش رفت این واقعیت روشن در کنار تمام باتوم زنیها و دستگیریها و زندان کردنها رژیم را بیش از گذشته مفلوک و در بن بست قرار داده. هر جور وحشیگری رژیم در ۱۶ آذر از سر ترس از جنبش جوانان ایران خواهد بود نه از موضع قدرت. به نظرم ما نباید قدرت خودمون را دستکم بگیریم فقط باید بدانیم چکار باید بکنیم.

البته نامه های دیگری هم راجع به ۱۶ آذر بود که لابد از دست من در رفته، می بخشید. همینطور باید بگم که بحث های داغ دیگه ای هم در گروه جریان داشت. مثلا همین مینا یک میل داد: «کمک! میخوام کمونیست بشم!» و پرسید مذهب کمونیستها چیه؟ یهودی؟ مسیحی؟ ... البته دوستان زیادی به کمک او رفتند. همینطور بحث هایی هم در مورد کمونیسم، شوروی، مصطفی و غیره در جریان بود. یک نکته را نسیم رهنما تذکر داد که من هم میخوام به همه دوستان گروه بگویم. میل های طولانی واقعا خوانش سخته و در فضای بحث گروه افت ایجاد میکند. به نظرم از ۷ - ۸ سطر که بیشتر میشه تعداد خواننده رو به سقوط میذاره.

مشقات بشر امروز است نه یک نوع موزیک! دولتهای موجود در مقابل چنین وضعیتی مسئول هستند نه جوانان آوازه خوان و رقصنده. سیستم کنونی در ارائه خدمات برابر به جوانان سیاهپوست دچار شکست شده است. تا زمانی که فرصتهای برابر اقتصادی، تحصیلی و کاری را برای جوانان فراهم نکنند، در بر همان پاشنه خواهد چرخید! دولت باید در مدارس با استانداردهای بالایی تحصیلی آنها را پرورش دهد. تا نسلی با توقع بالا و شاداب وارد جامعه شود. اما بهانه کردن این فاکتور «اجازه بد تمام این مشکلات را به گردن موزیک داریست که مسبب و بانی تمام

برای سرنگونی میرویم!

شعراهایی که فریاد بزند از چه تفکری حمایت می کند ما باید دست در دست هم مشخصا اعلام کنیم که چه می خواهیم، اعلام کنیم که دیگر حاضر به تحمل قوانین ضد زن نیستیم دیگر مذهب و خرافه نمی خواهیم شعارزنده باد آزادی، زنده باد برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد جمهوری سوسیالیستی و ... میتواند شعراهای اساسی ما در این روز باشد امسال باید فعالتر باشیم و هستیم چون نیروهای بیشتری ما را می شناسند و به ما پیوستند ما باید از این موقعیت برای وارد کردن ضربه به پیکره نیمه جان جمهوری اسلامی استفاده کنیم. به نظر من شعار فراتر از دست راستی فقط تا زمانی که هويت کيفيشان برای مردم مشخص نشده زنده هستند و سریع از بین می روند و س ء ج ء ک باید با همکاری من و توفیق عزیز در صف اول باشد و با در دست گرفتن تظاهرات خود را به عنوان نیروی اول سرنگونی رژیم مطرح سازیم مسلما باز نیروهای دست راستی می خواهند این روز را با تبلیغات کلابی مثلا به روز خود تبدیل کنند. مسلما نمی توانند. زیرا این روز، روز آزادی و برابری است که هیچ کاماشان را راستیها نمی توانند تامین کنند. پس فقط چپها میمانند که رادیکال ترینشان هم حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست هستند ما به خیابانها می آییم برای سرنگونی.

مینا متالیکا: من ۱۶ آذر پارسل شرکت کردم، وحشتناک بوده تا کسی نرفته باشه نمی ترنه درک کنه اونجا چه جوریه. فقط باید بگم دستمون به هر کی می رسید میزدند. به پسرها باتوم برقی و به دخترها باتوم ساده، من یکی از اون باتومها را خوردم و می دونم چقدر درد داره. امسال من که نمیرم بابا، این آخوند ها میخوشن را بد جوری سفت کوبیدن. فقط می ریم خودمان را بدبخت می کنیم. الان ۳ تا از دوستهای من از پارسل تا حالا گم شدند. معلوم نیست چه بلایی به سرشون آوردند. فقط می دونم که خیلی خطر داره. راستی از وقتی فهمیدم گروه شما ضد آخوند است خیلی ازتون خوشم اومده و س ء ایسکا: مینا جان میلتو خوندم.

نوع موزیک در جهت منفی میشد. در انگلیس فاکتورهای متعدد دیگری در بوجود آوردن جرم و جنایت با اسلحه وجود دارد. که مهمترین آن نابرابری اقتصادی در جامعه و تبعیض های رنگارنگ علیه اقلیتها مختلف است. هر جا مردم کم درآمد زندگی میکنند میزان جرم و جنایت بیشتر است به عبارتی هر جا فقر هست همان جا هم جنایت فوران می کند. زمانی که دولت موزیک هیپ هاپ و رپ را متهم به گسترش ناسامانی در جامعه می کند. باید آگاه بود که مشکل واقعی جای دیگری است. این خود نظام سرمایه داریست که مسبب و بانی تمام



امید حدابخشی

اینروزها همه دارند فکر می کنند آذر چه اتفاقی میافتد. اعضای گروه جوانان کمونیست در یاهو هم همینطور. اعضای گروه از جمله کسانی هستند که باید آذر را بسازند. چند نامه ارسالی به گروه و جوابهای آن را بخوانید تا شما هم از ۱۶ آذر امسال سر در بیایید: حامد راد: همانطور که می دانید ۱۶ آذر نزدیک است. فکر می کنید امسال تا چه حد کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست پیشرو باشد؟ آیا نسبت به ۱۶ آذر ۱۳۸۱ تغییری کرده است؟ تا چه حد؟ آیا امسال هم شاهد شعار فراتر از دست راستی خواهیم بود؟ جایگاه جنبش چپ و س ء ج ء ک کجاست؟ به امید بحثی داغ پیرامون این موضوع. سیما امیلوار: راستش امسال اوضاع خیلی به نظرم متشنج تر از پارسل است هم به خاطر قضایای انتخابات، هم جریان مفتضح صلح نویل و هم افسانه نوروزی و زهرا کاظمی ء من حس می کنم امسال باید تظاهرات پر شور تر باشه و ضمنا چرخش به چپ (به طور کلی خواستههای چپ و رادیکال) بیشتره به امید اینکه چنین اعتراض شدیدی را شاهد باشیم ء اما اینکه وظیفه ما و صرفا اعضا گروه چیست، باید حسابی بحث بشه ء

سروش دانش: ۱۶ آذر نزدیک است و از همین الان می شود ترس را در چهره مثل کچ سفید شده جمهوری اسلامی خواند ء ۱۶ آذر روز دانشجویی و بالخصوص یکی از روزهایست که باید مثل سالهای قبل، چپ با شعراهای مشخص خود به میدان بیاید ء روزی که روز آزادیخواهی و برابری طلبی است ء ۱۶ آذر باید روز ما، روز آذادیخواهان باشد مسلما امسال پر حرارت تر از سالهای پیش به میدان می آییم با

نه جمهوری اسلامی و نه آمریکا

سخنی با «دختر صورتی» بهزاد محمدی (ترکیه)

مردم معترض و آزادیخواه را به جوخه اعدام سپردند و هنوز هم رژیم سابقی ها فکر می کنند کمونیستی که خواست حرفش را بزند و کارگری که خواست نسبت به وضعیت کار و معیشت اش اعتراض بکند به جرم اقدام علیه امنیت میهن کشور و اخلاص در نظم عمومی باید دستگیر و اعدام شود. حالا هم برای اعدام و شکنجه مردم اگر ابراز ناراحتی بکنند می گویند یک هم میهن یا یک ایرانی اعدام شد نه یک انسان. و حتی حالا در قرن ۲۱ با این همه پیشرفت حاضر نیستند از لغو اعدام حرفی بزنند.

یک امید سلطنت طلبان حمله نظامی ارتش آمریکا به ایران است که به آن دل بسته اند و حتی هنگامی که میلیونها نفر از مردم جهان از نیویورک تا لندن و برلین و مادرید تا توکیو بر علیه این جنگ تروریستی که به بهانه مبارزه با تروریسم انجام گرفت بزرگترین و بی سابقه ترین اعتراض را بر پا کردند، سلطنت طلبان به دفاع از جنگ و قتل عام مردم بی دفاع عراق بر خواستند. و به این دل بسته بودند که بعد از عراق نوبت ایران است و منتظر بودند ارتش آزادیبخش آمریکا حکومت ایران را سرنگون و دو باره حکومت سلطنتی را سر کار بیاورد. زهی خیال باطل! صف قدرتمند ما متشکل از کارگران و مردم آزادیخواه هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی را با اتحاد خود بیرون خواهند ریخت. سلطنت طلبان فکر می کنند مردم باید بین بد و بدتر (که سلطنت طلبان بد و جمهوری اسلامی بدتر باشد) یکی را انتخاب خواهند کرد. ولی مردم به کم رضایت نخواهند داد. بجای انتخاب بد و بدتر، بهترین را انتخاب خواهند کرد.

در آخر، بنظر من این دوست آثار منصور حکمت را بیشتر مطالعه کند تا ماهیت هر دو رژیم چپ قبلی و چپ فعلی را بروشنی درک کند و بهترین حکومت برای آینده را دریابد. مطمئن هستم بعد از مطالعه آثار منصور حکمت به ما خواهی پیوست و صف ما را برای رسیدن به سوسیالیسم قوی تر خواهی کرد.

قسمت پاسخ به سوالات از طرف شما واقعا جذاب و خوانندی است مخصوصا در مورد سوسیالیسم خمینی و برابری طلبی خرده بورژوازی (۱۱۳) و پیکان و ماکزیم، وقتی ما به قدرت برسیم (۱۱۴) بسیار عالی بود. تا رسیدم به شماره (۱۱۶) و پاسخ به دختر صورتی. که خواستم من هم جوابی به این دوستان بدهم.

شما فکر می کنید که مردم از زیادی خوش بودن آملن و انقلاب کردن و جمهوری اسلامی را سر کار آوردند و حالا هم باید تاونشان را پس دهند؟! اشتباه فکر می کنید. مردم از فقر و نابرابری و استثمار و نبود آزادی و هزار بی عدالتی دیگر که نظام سرمایه داری بر مردم حاکم کرده بود که جانشان به لبشان رسید و انقلاب ۵۷ شکل گرفت.

باز هم بر خلاف نظر شما مردم نبودند که جمهوری اسلامی را سر کار آوردند، بلکه آمریکا و دولتهای غربی بودند که ترس از قدرت گیری مردم و شورا هایشان و ادارشان کرد که جمهوری اسلامی را از طریق تبلیغات و سیستان بقرت برسانند. و البته بیشتر مردم ایران به آن رضایت ندادند و از همان روزهای اول انقلاب با تظاهرات اعتصاب و اشکال دیگر مبارزه نارضایتی خود را با این حکومت اعلام نمودند. ولی بعلت نبودن حزب رادیکال و به تمام معنا چپ و آزادیخواه از جنس ما که بتواند نمایندگی صدای اعتراض مردم آزادیخواه را بدست بگیرد باعث بوجود آمدن چنین جوی شد. ولی اینبار کارگران و مردم آزادیخواه حزب خودشان را با اهداف و خواسته های مشخص دارند و همانطور که خودت گفتی کلا سرشان نمی رود.

شما چنان درباره ی اعدام حرف می زنید که انگار در حکومت سلطنتی اعدام وجود نداشته است. اما متاسفانه بازم اینطور نیست که شما فکر می کنید. در رژیم قبل هم کمونیستها و

هیپ هاپ یا سرمایه داری؟

جمال کمانگر



هیپ هاپ یک جنبش فرهنگی است که شامل رقصهای اکروباتیک (معروف به رقص شکسته) و هنر خیابانی است. که با زبان محاوره و سر راست سراغ موضوعات مورد علاقه خواننده و مخاطب میرود. اما آیا صرف گوش دادن به موزیک برای ساعتها در روز باعث «رشد اعتماد به نفس» و رفتن سراغ اسلحه و شلیک

متمم کردن یک نوع موزیک مورد علاقه جوانان معروف به هیپ هاپ و رپ در انگلیس به دامن زدن و تشویق جوانان به «ارتکاب جرم با اسلحه» شاید باور کردنی نباشد ولی واقعیت دارد.

تندر کمونیسم

گفتگو با سیاوش دانشور



ایده این گفتگو طی صحبت با یکی از خوانندگان جوانان کمونیست در چت یاهو به ذهن رسید. راستش آنجا این نکته دوباره در برابر قرار گرفت که چطور صدها هزار انسان شریف و زحمتکش در ایران که امکان دسترسی به نت و یا ساتلایت را ندارند (و حتی آنها که دارند) یک همدم و همراه روزانه دارند: رادیو انترناسیونال. در صحبت با آن دوست عزیز متوجه شدم که او کارگران آشنای دور و برش را به دو دسته تقسیم میکند. آنها که طرفدار حزب اند و رادیو انترناسیونال گوش میدهند، آنها که دنبال «این مسائل» نیستند. بعد یاد افتاد که چگونه ۴ سال پیش خود منصور حکمت و رفقایی مثل علی جوادی، آذر ماجلی، کوروش مدرسی و دیگران با چه شور و شوقی کارهای اولیه رادیو انترناسیونال را تارک میبندیدند و همه در تب و تاب این بودیم که نتیجه چه میشود. و شروع به کار رادیو انترناسیونال به یک پدیده سیاسی مهم در ایران تبدیل شد. بلافاصله وزن سیاسی حزب را بالا برد. بلافاصله با سیل تلفن ها و نامه ها و شادباش ها روبرو شد. رادیو انترناسیونال بی شک بعد از کنفرانس برلین مهمترین گامی بود که حزب کمونیست کارگری را در سطح جامعه مطرح کرد و در آسمان طوفانی ایران تندر کمونیسم را به گوش بسیاری رساند. این رادیو همچنان یک ستون محکم و استوار حزب در رابطه با توده های میلیونی است. بیشتر در مورد رادیو انترناسیونال را از زبان مسئول امروز آن سیاوش دانشور بشنوم:

— نوشته تان را در هفتگی خواندم با عنوان «خلخالی جلاذ مرد» گویا شما از دست خلخال زنده در رفتید؟ آندوره بدنای یک تظاهرات همراه تعداد دیگری در کوچه پس کوچه ها دستگیر شدم. دستگیرشدگان در همان روز بیش از صد نفر بودند. حدود ۵۰ نفری در زندان فرودگاه سنجند بودیم. بعد از چند روز خلخال آمد و ما را محاکمه کرد. ۱۱ نفر را اعدام کرد و بقیه را با گرفتن پول و سند و ضمانت شخصی افراد آزاد کردند. یاد عزیزشان همیشه گرامی است.

— کمی از خودتان بگویید؟

من از نسل جوانانی هستم که در دوره انقلاب ۵۷ در ابعاد وسیع به میدان سیاست پرتاب شدند. سال ۶۱ در ضربه پلیسی که سازمانهای اتحاد مبارزان کمونیست و کومله خورد مجددا دستگیر شدم. اینبار حدود شش سال در زندان ماندم. اینجا هم از دست لاجوردی و داوود رحمانی زنده در رفتم. تا ببینم دور بعد چه پیش می آید. بعد از زندان فعالیتیم را با حزب کمونیست ایران و بعد با حزب کمونیست کارگری (از

است؟

رادیوهائی که برای ایران برنامه پخش میکنند و مردم آنها را میشناسند و یا بخشهایی وسیع به آن گوش میدهند. مثل رادیو بی. بی. سی، رادیو آمریکا، رادیو اسرائیل و بخشا رادیو فردا، رادیو فرانسه و دویچه ولر آلمان.

اینها کر تبلیغاتی خاتمی و قبل از آن قدیمی هایشان خمینی و دیگران و امروز عبادی هستند. کاری هم به مبارزه کارگر و زن و جوان معترض ندارند. آنچه هم که خیلی شلوغ میشود و نمیشود نادیده اش گرفت، سعی میکنند تفسیر دو خردادی و یا قالب محدود به آن بزنند. این جنبداری سیاسی و سانسور حقایق است. این رادیو ها به نظر من جهت سیاسی و دیپلماتیک دولتهای متبوعشان را منعکس میکنند. رادیو انترناسیونال به این معنی مستقل است.

— به کدام معنی؟

یعنی اینکه به هیچ دولت و خبرگزاری رسمی وابسته نیست. مستقل است درست مانند اعتراض مستقل مردم علیه حکومت. صدای مردم است، پایبند به حقیقت است، از آزادی و انسانیت سخن میگوید. به این معنی جانبدار است. آنها هم جانبدار هستند. جانب وضع موجود و سیاستهای دولتهاشان در قبال اوضاع ایران را میگیرند و منعکس میکنند.

— اما همین رادیوها گاه با دیگرانی که خیلی مخالف شان هم هستند صحبت میکنند؟ درست است. اما «گاه»، نه بطور مرتب. جای اصلی را همان طیفی دارند که قرار است از مجرای آنها خط و سیاست مربوطه هدایت و کانالیزه شود. لطفا آمار بدهند که در سال این رادیوها چند بار با فلان آژیتاتور کارگری، فلان رهبر جنبش برابری حقوق زنان، یا سوسیالیست دو آتشه و ضد اسلام و مذنب، و حتی با طرفداران سرنگونی جمهوری اسلامی حرف میزنند. اگر جایی وادار شدند سراغ یک از اینها را بگیرند و دو کلمه حرف بزنند، دلایل این بوده که خود موضوع خیلی با اهمیت بوده و کسی دیگر که این اعتراض را نمایندگی کند نبوده، (به اصطلاح دیگر گندش در می آمده) و یا در اغلب موارد فکر کرده اند میتوانند فرد مخالف خود را در تنگنا بگذارند و به اصطلاح خراب کنند.

— همین رادیوها بعضی اوقات خط آزاد میگذارند، نظر سنجی میکنند و غیره. شما چنین کاری در دستورات دارید؟ حتما، این جزو اولویتهای رادیو انترناسیونال است. تجدید سازمان فنی و تکنیکی و پخش برنامه های لایف با شرکت شنوندگان و مهمانان برنامه در لیست کارهای آینده نزدیک ماست.

— با این مشخصاتی که شما میگوئید رادیو انترناسیونال چگونه رادیویی است؟ رادیویی است چپ و آزادیخواه. صدای کارگر، صدای حقیقت، صدای انسانیت پیشروی است که برای نفی وضع موجود تلاش میکند. در عین

حال رادیویی است که از قالب سنتی رادیوهای حزبی و تشکیلاتی بشدت فاصله دارد. در یک کلام ما تلاش کردیم یک ژورنالیسم چپ و اجتماعی را ارائه کنیم. کار ساده ای هم نیست. اما در این چند سال مرتبا در این زمینه جلو رفته ایم. محدودیتهای کار ما از این زاویه عمدتا مربوط است به محدودیتهای زمانی. همینطور باید مبتکرتر باشیم و از ایده های جدید استقبال کنیم.

— آیا از کارتان راضی هستید؟ نسبت به رنج زمانی که کار را شروع کردیم، بله میشود گفت رضایت داریم. البته همیشه نتایج بهتری هم میتوان گرفت. رایو انترناسیونال ۴ سال است کار خود را شروع کرده است. اما امروز رادیو انترناسیونال در میان رسانه های که رو به ایران برنامه پخش میکنند، یکی از رادیوهای سرشناس، معتبر و پر شنونده است.

— در کدام شهرها بیشتر شنونده دارید؟

آماری دقیق نداریم. اما رادیو از شهرهای تهران، کرج، ورامین، اصفهان، شیراز، آبادان، ایزه، اهواز، مشهد، خرم آباد، سنجند، سقز، مریان، مهاباد، ارومیه، تبریز، رشت، قائم شهر مرتبا تماس تلفنی و گزارش و خبر دارد. در شهرهای دیگری تماسها موردی است. از جمله در روستاهای ایران. بجز شهرهای ایران در کردستان عراق، پاکستان، ترکیه، شهر دوشنبه، آذربایجان ما شنوندگان ثابتی داریم. در مواردی از چین، کره شمالی و فیلیپین صدای ما شنیده شده و ای میل یا گزارش داشتیم. همینطور صدای رادیو در برخی کشورهای اروپا با رادیو موج کوتاه براحتی قابل شنیدن است. مضافا اینکه برنامه های ما از طریق اینترنت هم شنیده میشود. شنوندگان ما در اروپا و آمریکا عمدتا از طریق اینترنت رادیو را تعقیب میکنند.

— با این حساب رادیو پوشش قوی بله همینطور است.

— آیا بافت اجتماعی خاصی به رادیوی شما گوش میدهند؟

ابدا. نه تماسهای رادیو، نه گزارشهای دریافتی، نه توقعاتی که در مقابل ما قرار میگیرد، نه سوالاتی که با ما در میان گذاشته میشود، و نه حتی ترکیب سنی شنوندگان رادیو این را نمیگوید.

شنوندگان رادیو بشدت متنوع اند. از محیطهای کارگری تا فرهنگیان و محیطهای دانشجویی، از زنان و جوانان تا خانواده ها و افراد مسن به رادیو گوش میدهند. در برخی از شهرها دسته جمعی و در مهمانیها به برنامه رادیو انترناسیونال گوش میدهند. خیلی موارد نوار مصاحبه های رادیو تکثیر و دست بدست میشود.

— ممکنه نمونه های مشخصی برای خوانندگان ما ارائه کنید؟

مثال زیاد است. در خیلی از مناطق کارگری و حتی در کارخانه به رادیو و برنامه اش گوش میدهند. بعضا بلافاصله بعد برنامه تماس میگیرند و خبری، نکته ای، و یا نظرشان را میگویند. در داخل ماشین و در تظاهرات به رادیو گوش میدهند. جوانانی هستند

که با حالت عاطفی شدید زنگ میزنند و میگویند شما دارید حرف دل ما را میزنید. آهنگی میخواهند و یا از موزیکی خوششان آمده و اسم خواننده اش را میپرسند. خانمها و آقایان بازنشسته ای هستند که زنگ میزنند و میگویند که شنونده هر شب برنامه هستید. پسر یا دخترشان که اعدام شده مثل ما فکر میکرده و غیره. حتی در میان محافل آکادمیک و ژورنالیستها رادیو شنوندگان ثابتی دارد. شنوندگانی تماس میگیرند و میخواهند خصوصی تر با رهبران حزب آشنا شوند و یا بعد از مصاحبه شان در رادیو خواستند که با آنها حرف بزنند. مثاله بسیار زیادند. ما با طیفی متنوع از شنوندگان و همینطور با خواسته های متنوع روبرو هستیم و این مایه خوشوقتی ما کارکنان رادیو و انگیزه قوی برای ارائه بهتر برنامه هاست.

— از آموزش مارکسیسم در ترکیب برنامه ها حرف زدید. رادیو و آموزش مارکسیسم؟

وقتی رسانه های موجود جای «گفتگوی تمدنها»، «اسلام خوب و بد» و تر «مب باران پیشگیرانه» و تئوریهای رنگارنگ اسارت بشر امروز شده، چرا نباید همزمان تئوری و علم رهائی و آزادی بشر نباشد؟ آنهم نه بصورت پیچیده و ویژه «نخبگان» بلکه با زبان شیوای منصور حکمت. جنبش آزادیخواهی ایران نیاز دارد که به ابزار نقد وضع موجود و افق دگرگونی آن مجهز باشد و پاسخ موانع پیش رویش را داشته باشد. رادیو انترناسیونال در روزهای سه شنبه عملا یک مدرسه مارکسیستی دایر کرده که از بازخوانی کاپیتال مارکس، تا توضیح مبانی و متدولوژی و برنامه کمونیسم کارگری تا شناختن موانع راه این جنبش و رفع آن را پیش میرد. ریویوی مباحثی از منصور حکمت که سوال روز هستند و یا اظهار نظر در مورد مهمترین مسائل پیشرو جنبش آزادی و برابری در ایران. این برنامه ها از پرشنونده ترین برنامه ها هستند.

— مخالفین چه میگویند؟ منظورتان شنوندگان در ایران هستند یا مخالفینی مثل جمهوری اسلامی و طرفدارانش؟

— نه منظورم شنوندگان است. قبلتز رگه ای بود بویژه در میان دانشجویان که مباحث ضد مذهبی ما از نظرشان تند بود. عمدتا میگفتند که با فضای جامعه ایران دور هستید، مردم سنتی و عقب مانده هستند، باید در مورد مذهب فرهنگی تر و دراز مدت تر برخورد کرد. همینطور روی پیامگیر رادیو و یا تلفنهای رادیو کامنتهای مختلفی داریم. بخشا اظهار نظر مستقل و بعضا جانبدارانه و همراه با انتقاد. معمولا ما یا اینها را مستقیما پخش میکنیم، چنانچه خود شنونده ملاحظه ای نداشته باشد، و یا در مصاحبه های رادیو آنها را به بحث گذاشتیم. دوره ای مخالف نوع دو خردادی داخل تماس می گرفتند، بعضا ژورنالیستها. امروز با توجه به شرایط متحول سیاسی ایران و تبدیل سرنوشتی

«جنبش سلبی و اثباتی» آنطور که من میفهمم

شرکت در بحث مصطفی صابر
و یک خواننده جوانان کمونیست

محمد فتاحی

m.fatahi@ukonline.co.uk

مصطفی صابر عزیز!



دو سه هفته پیش در لندن وقتی ملاحظه کردم در مورد جواب شما به یکی از رفقای جوان در داخل را شفاها با تو در میان گذاشتم، پیشنهاد کردی که آنرا برای جوانان کمونیست بنویسم. وقتی خواستم بنویسم، ناچار شدم دوباره به این بحث جالب رجوع کنم، به این لحاظ ممنونم. در چند شماره قبلاً بود که خطاب به شما، یکی از جوانان کمونیست نوشته بود که اودیوی بحث حمید تقوایی و منصور حکمت در مورد «جنبش سلبی و اثباتی» را از سایت بنیاد حکمت گوش داده، و متوجه شده که بحثشان با هم متفاوتند، و نوشته بود که با بحث حمید موافق نیست و بحث نادر(منصور حکمت) به درد امروز ایران میخورد.(نقل به معنی- من هر چه شماره‌های قبلی چک را ورق زدم، پیداش نکردم تا عین خودش را بیارم.) شما هم در جوابش گفته بودی که اینطور نیست و بحث نادر در تکمیل بحث حمید است. این را من نقل به معنی گفتم، اگر اشتباه میکنم، لطف کن اصلاحش کن.

یک متدلوزی متفاوت

در جواب شما به آن جوان کمونیست، احساس کردم استنباط من از آن بحث مثل همان رفیق است تا خودتان. در بحثی که میکنم، میخوام بگویم که بحث نادر در مقابل بحث حمید است، نه در تکمیل آن. به خاطر امکان درک بهتر خواننده از این ملاحظه من به نکته شما، من خلاصه‌ای از بحث حمید و نادر را هم میارم، در عین حال بر این باورم که هر کسی که این بحث بسیار آموزنده را بخواند دنبال کند، یا حتی بطور کامل متوجه شود، باید برود و در سایت بنیاد منصور حکمت بخش گوش دهد. در برخورد به کسانی مثل مارکس و حکمت، بهترین کار مراجعه مستقیم به خودشان است. طبعاً درکها میتوانند متفاوت باشند.

بحث سلبی، بحث یک متدلوزی است.

برای خوانندگانی که این مباحث را قبلاً نشنیده و اطلاعی ندارد بگویم که این بحث، پلیمیک است بین حمید تقوایی و منصور حکمت در جریان مباحثات حاشیه کنگره سوم حزب در سال ۲۰۰۰. حمید تقوایی بحث را ارائه داد و در آن گفت که میخواد در مورد جنبش سرنگونی و آلترناتیو ما یا جمهوری سوسیالیستی در برخورد به این جنبش بحث کند. حمید در

تا اینجا بحث با تکیه به گفته خود نادر روشن است که بحث وی متفاوت است، و در تکمیل مباحث حمید نیست.

متدلوزی برخورد به جنبش‌ها در دوره انقلابی

«جمهوری سوسیالیستی را باید توضیح داد و شعارهای اثباتی و وضع همه اقشار را باید گفت ولی این به درد دوره انقلابی نمیخورد.» اشتباه است انقلاب را روی شعارهای اثباتی سازمان دادن. دوره انقلابی دوره سلب است، دوره نفی است، دوره نه گفتن است به وضع موجود. لذا خصلت سلبی ماست که مردم را جذب میکند. (اشتباه است در حالیکه مردم به همه چیز میگویند نه، چرتکه بیندازی و بگویی چکار میکنید.) «سم است(در بحث محاوره‌ای او میگوید سمه)، سم است وقتی که مردم میخوانند رژیم را بزنند، بگویند چه میخواید.» دوره انقلابی با دوره قبل و بعد خود متفاوت است. در مکانیسم انقلاب ما باید نماینده «نه» باشیم. حزب کمونیست کارگری باید نماینده «نه» به جمهوری اسلامی و هر تلاشی برای اصلاحش باشد. ما باید نماینده ازجار مردم از اسلام باشیم. ما روی موج ضد اسلامی، روی موج ضد مردسالاری، روی موج ضد استبدادی که هست باید جلو برویم.» در دوره انقلابی بحث بر سر این نیست که چی هستیم و چی میخوایم، «متدلوزی سازماندهی در دوره انقلاب باید برود پای سلب. این علامت کمتر سوسیالیست بودن نیست، علامت کسانی است که میخوانند همه مردم را بیاورند پشت سر خودشان. فلان آدم را نمیتوانم سوسیالیست کنم و با منافعش هم نمی‌خواند، ولی میخواد با موج کنار زدن جمهوری اسلامی بیاید.» در جای دیگری به اقشار مختلف جامعه اشاره میکند و میگوید که نمیشود اینها را سوسیالیست کرد و دنبال شعار اثباتی ما هم نخواهند آمد ولی از آنجا که خواهان رفتن حکومت اسلامی‌اند، در مبارزه برای زدن حکومت میشود نیرویشان را به صف مبارزه جذب کرد. «همه سوسیالیست نمیشوند ولی علیه مذهب پشت سر ما هستند، علیه فقر و نابرابری و... پشت سر ما هستند.» در همین رابطه میگوید «شعارهای اثباتی جلوی مردم گذاشتن سم است، سم است.» و میگوید «هر تلاشی برای اثباتی صحبت کردن، جنبش پشت سرمان را تجزیه میکند.» چون نیروی جنبش اثباتی ما به مراتب از نیروی جنبش سلبی در جامعه کمتر و ضعیفتر است، نیروی که مستقیماً خود را حزبی میدانند، به مراتب از نیروی کمتری است که حاضر است دنبال شعارهای سلبی ما، دنبال «نه» گفتن ما به اسلام و استبداد و فقر و تبعیض و نابرابری... بیاید.

بودند و مردم دنبالش افتادند. نادر در همین رابطه به نقش شریعتی و مطهری اشاره میکند و میگوید آنها نمیتوانستند نقش خمینی را بازی کنند. آنها کاری میکردند در دوره غیر انقلابی، و خمینی کار دیگری کرد در دوره انقلابی. خمینی گفت «نه»، شاه هیچ الگو و شعار اثباتی هم نداد. آن جنبش با خمینی رفت چون خمینی شاخص مهمی بود در «نه» گفتن. «نه» خمینی را در یوق کردند و فرستادند روی آتش‌های جهان. و خمینی سمبل «نه» شد به رژیم شاه.

البته در جای دیگری اشاره میکند به آلترناتیو خودمان، و در همین رابطه میگوید آلترناتیو ما در برنامه‌اش هست، در تئوری اش، در تئوری سوسیالیسم و در نقدش از کاپیتالیسم بوده و هست. در جایی هم به کارکرد فونکسیونری مانند انجمن مارکس مثلاً اشاره دارد که جایگاه ویژه خود را دارد. «ولی قسمتی از حزب که پروپاگاندا میکند، در این دو سال که میخوایم این جنبش (جنبش سرنگونی) را جایی برسانیم، باید از این کار(شعارهای اثباتی) بپرهیزد.»

به جای شعارهای اثباتی

به جای شعارهای اثباتی، منصور حکمت به طرح بیشتر حزب در جامعه اشاره میکند و تأکید میکند که «هربران سر شناس»، «نیروی نظامی»، «رادیوی چند ساعته»، «تلویزیون» و «شهرت هرچه بیشتر حزب. بگنار مردم ببینند و مقایسه کنند.» اگر قدرت حزبی بالاتری داشته باشیم، اگر مردم ببینند ارتش و رادیو داریم، اگر احساس کنند نیرومندیم و میتوانیم بزیم و بگیریم و بمانیم، آن وقت نابوری به کمونیسم رنگ می‌یازند.

در بحث منصور حکمت نکات جالبی هم هست در برخورد به جریان‌های دیگر اپوزیسیون در دوره انقلابی که بسیار آموزنده است. در مورد زمان تغییر شعارها و رابطه‌شان با تناسب قوا هم به نکاتی اشاره میکند که خیلی مختصر است، و توضیح در موردش بیشتر به بحث خودم میانجامد تا به گفته‌های او، لذا ازش پرهیز میکنم. در خاتمه بار دیگر از جوانان کمونیستی که در داخل کشور دست اندر کار سازماندهی‌اند، دعوت میکنم که این بحث آموزنده را از سایت بنیاد حکمت گوش دهند.

جهت اطلاع شما، درون گیومه‌ها از صحبت‌های نادر است. برای بقیه هم خود را آزاد دیدم که از گفته‌های وی برای رساندن نظرم کمک بگیرم. چند جا هم درون پرانتز هست که از من است.

از صفحه ۶

تندر کمونیسم

خواهی به بستر اصلی سیاست در ایران، این نوع انتقاد موضوعیتش را از دست داده و کمتر طرح شده است. عمدتاً اینطور است که شونندگان در تماس‌هایشان نظرشان را بیشتر مشبت عنوان میکنند و به کمبودها اشاره میکنند. یا نکاتی که از نظر آنها مهمتر است. همینطور سایه روشنشان به بحثها را طرح میکنند.

- از طرف رژیم چطور؟ تماس میگیرند؟ بله مواردی بوده. فلان طلبه و یا بسیجی زنگ زده و گفته «شما هیچ جایی در ایران اسلامی ما ندارید!» یا فحاشی ویژه نوع فرهنگ اسلامی. مواردی هم داشتیم که طرف میخواد در برود. فهمیده که کار حکومت تمام است. تماس گرفته و گفته همکاری میکند!! همین موارد نشان میدهد که جنبش آزادیخواهان در ایران کجا قرار دارد و صداهای این جنبش دقیقاً چه کسانی هستند. وقتی رژیم‌ها این را میدانند برای مردم دیگر خیلی روشن است. - با موزیک و دنیای نسل جدید چگونه برخورد میکنید؟

دنیایشان دنیای ماست. این را بگویم که رادیو آنترناسیونال بنا ندارد و نمیخواد با موزیک و هنر ایدئولوژیک برخورد کند. اصل ما این است که در بخش موزیک از آخرین‌ها، بیاد مانده‌ها، نو آوری‌ها استفاده کنیم. حتماً نمیتوانیم بدلیل محدودیت شدید زمانی مثل کانالهای ام تی وی و غیره موزیک را معرفی کنیم. سلیقه موزیک شونندگان ما درست مانند طیف گسترده شان متنوع است. همینطور موزیک‌هایی که در متن آن، عمدتاً مثل خیلی از موزیک‌های فارسی، زن را تحقیر میکند و از همان فرهنگ مردسالار حاکم تغذیه میکند، در رادیو پخش نمیکیم. این تنها محدودیت ماست که از آزاد منشی و احترام به انسان و برابری او ریشه میگیرد. خارج از آن همه نوع موزیکی پخش میکنیم. در عین حال تلاش میکنیم که موزیک ملرن غربی را در همین ابعادی که برنامه اجازه میدهد پخش و معرفی کنیم. اوایل بیشتر خواهان موزیک فارسی بودیم اما بتدریج فضا تغییر کرد. خیلی موارد زنگ میزنند و اسم خواننده یا آلبوم را میخوانند.

- سلیقه شخصی خودتان را اعمال نمیکند؟ نه همیشه. اما در مواردی چرا. فکر میکنم نمیشود کاراکتر افراد را از کارهایشان منتزع کرد. - خودتان چه نوع موزیکی گوش میدید؟

پاپ، رگه، راک سنگین، گاه تکنو. موزیک‌های دهه شصت و هفتاد و موزیک فارسی. - برنامه تان برای آیتد کار رادیو چیست؟ آیا تغییراتی در راه است؟ جهتی را که تاکنون رفتیم باید تعمیق کنیم. من میخوام از نگاه مردم ایران، در ابعاد میلیونی، رادیو آنترناسیونال صدای جنبش آزادیخواهی و کلیه کسانی باشد که این بساط را نمیخوانند. هر نوع تغییراتی چه در فرم ارائه برنامه‌ها و چه در محتوای صفحه ۶

اتشکر، توضیح!

شاراتی به بحث «جنبش سلبی، جنبش اثباتی»

مصطفی صابر



محمد فتحی عزیز! خیلی ممنون از نوشته ات. کار مرا راحت کردی. حالا میتونم بگویم به قولی که به خوانندگان نشریه داده بودم داریم وفا میکنیم، و به بحث جالبی که بین ما به «جنبش سلبی، جنبش اثباتی» مشهور شده است، می پردازیم. امیدواریم که بازهم به این بحث مهم بپردازیم.

بر نوشته ات از دو جنبه مربوط بهم ملاحظه دارم: ۱. با برداشتی که از پاسخ کوتاه من در ذهن نشسته موافق نیستم. ۲. به نظر بحث نادر (منصور حکمت) در مقابل حمید (تقوایی) نیست. وجه سلبی جنبش ما از نظر او در مقابل وجه اثباتی جنبش ما نیست، مساله همانطور که خودت هم میگوئی مساله متد برخورد ما در دوره انقلابی است. به این دو جنبه اشاراتی میکنم. ابتدا اجازه بده از سرمنشاء بحث یعنی سوال و جوابی که بین دوست عزیزمان اسد حکمت و من (در شماره ۱۱۳) رد و بدل شد، شروع کنیم.

یک پرسش و پاسخ

اسد می پرسد: «آخرین بحث از حمید تقوایی و منصور حکمت راجع به جنبش سلبی و اثباتی را خواندم. (باید منظرشان شنیدم باشد. چون تنها نظر این بحث ها در سایت بنیاد حکمت موجود است). کمی نتیجه گیری از این بحث ها مشکل دارد. لطفا راجع به این بحث ها کمی توضیح بدهید. جای حزب در میان دو جنبش کجاست؟ ما به عنوان فعالین داخل کشور بیشتر به کدام جنبه اهمیت بدهیم؟ راستش من زیاد با بحث های حمید موافق نبودم، چون شرایط بیشتر با صحبت های نادر مطابق بود؟»

جواب من: «در پاسخ به سوالت باید بگویم جنبش سلبی در مقابل جنبش اثباتی قرار ندارد. کمونیسم اساسا یک جنبش سلبی و یا جنبش نفی است. نفی وضعیت موجود. اما وقتی وضعیت موجود را نفی میکند طبعاً اثباتا جای آن چیزی را قرار میدهد که خطوط اصلی آن توسط مارکسیسم (و همینطور مثلا برنامه دنیای بهتر حزب ما) تصویر شده است. پس لازم است که تصویر اثباتی جنبش ما نیز روشن باشد. نکته بسیار مهم منصور حکمت در آن مباحثه مخالفت با جنبه اثباتی جنبش ما و لزوم تاکید و تبلیغ و ترویج آن نیست. (بارها و بارها میگوید که با بحث های حمید تقوایی موافق است و مخالفتی ندارد.

پرداخت. اما بهر حال به معنی نفی و رد آنچه که مارکسیستها تا قبل از آن میفهمیدند و میگفتند و عمل میکردند نیست. به معنی تقابل با درک گذشته ما نیست. حتی میخواهم بگویم که منصور حکمت در آن بحث فی الواقع متد جدیدی طرح نمی کند. از همان متد ماتریالیسم انقلابی و پراتیک مارکس و لنین استنتاجات جدید و مشخصی در مورد تئوری انقلاب اخذ میکند. توضیحات جدیدی در مورد اینکه چگونه یک انقلاب پیش میروند میدهد و نتایج جدیدی از اینکه یک حزب انقلابی در دوره انقلاب چه باید بکند میگیرد. قرار نیست که حالا ما بین این درک عمیقتر و درک جدید، و چهارچوب فکری و درک قبلی مان انتخابی بکنیم. بدون فرض آن درک قبلی درک جدید قابل توضیح نیست. با این درک جدید ما به دریافت روشنتری از بحث های گذشته مان میرسیم. مثلا قرار نیست حالا با این بحث ما جنبه اثباتی جنبش ما را بالکل کنار بگذاریم و فقط به وجه سلبی آن اکتفا کنیم. بلکه در سایه درک روشنتر مان از مکانیسم انقلاب و خصلت جنبش سیاسی که راه افتاده است، قادر خواهیم شد با شعارهای سلبی مان رهبری جنبش انقلابی را بدست گیریم تا اتفاقا همان وجه اثباتی مان را سرانجام به کرسی نشانیم. این ارتقاء، بلوغ، حرکت و دستیابی به همه جانبگی بیشتر جنبش ما، جنبش برای الغاء بردگی مزدی و انقلاب سوسیالیستی است.

انقلاب و جنبش ما

بگذار از این فرصت استفاده کنم و بگویم که به نظر من عنوان «جنبش سلبی، جنبش اثباتی» برای این مبحث ناروا و پیچیده است. بطور واقعی بحث در باره کمونیسم و انقلاب و جنبش سیاسی عمومی، یا دوره انقلابی به معنی مشخص، و رابطه جنبش ها و احزاب سیاسی با انقلاب معین است. حتی بطور مشخصتر بحث بر سر رابطه جنبش ما، کمونیسم کارگری و حزبی، با انقلاب معینی است که دارد در ایران شکل میگیرد.

بهر حال جوهر بحث حکمت در آنجا به نظر من اینست: انقلاب یک جنبش سلبی است. حرکت سیاسی و وسیع توده های مردم برای نفی اوضاع فعلی و در محور آن خلاصی از شر رژیم موجود است. خصلت اثباتی انقلاب را آن جریان و افق سیاسی تعیین و تعریف میکند که رهبری آن و در واقع رهبری جنبه سلبی آنرا بدست آورده است. وقتی انقلابی در جریان است و مردم برای نفی اوضاع آمدند اند شعارهای اثباتی شما حتی میتواند خود این جنبش انقلابی را تجزیه کند. و در نتیجه تضعیف کند. و به این معنی «سم» است. او البته تاکید میکند که برای قرار گرفتن در موضع رهبری یک جنبش انقلابی باید حداقلی از

از صفحه ۵

تندر کمونیسم

آنها این هدف را دنبال میکند. امروز رادیو اترناسیونال یک رادیوی معتبر و پرشنونده است. ما میخواهیم رادیو اترناسیونال به پرشنونده ترین رادیو تبدیل شود. صدها گزارشگر و خبرنگار در جاهای مختلف ایران داشته باشد. بیشتر از گذشته صدای کارگر اعتصابی، معلم و پرستار و دانشجوی معترض، زن برابری طلب، و جوان پیشرو باشد. صدای تمام کسانی باشد که از جنبه های مختلف اعتراض مردم و تلاشی برای ساختن آینده باشد. این کاری است که ما و شنوندگانمان باید با هم انجام دهیم. بنابراین من فراخوانم به شنوندگان رادیو و خوانندگان نشریه شما همکاری گسترده تر است. از معرفی وسیع و روزمره رادیو تا ارسال خبر و گزارش برای آن تا خبرنگار مستقل رادیو اترناسیونال شدن. همینطور مسئله خط آزاد و برنامه های لایف در دستور ماست. گسترش ساعات پخش رادیو هم مسئله ای اساسی است که این یکی به امکانات مالی گره خورده است. کمک مالی به رادیو و اسپانسر مالی آن بسیار حیاتی است.

- گفتید صدای کارگر و معلم و ... در این مورد کارنامه رادیو اترناسیونال چیست؟ سوال را برگردانیم. آیا بجز رادیو اترناسیونال این جنبشها صدای دیگری داشته اند؟ اعتراضات معلمان را لحظه به لحظه و با گزارشات دقیق فقط رادیو اترناسیونال منعکس میکرد. این را بویژه خود معلمان بخوبی آگاهند. حتی در آن دوره نامه ها و گزارشهایی از خود معلمان داشتیم که از طریق رادیو اترناسیونال فهمیده بودند که مثلا فردا باید کجا جمع شوند. و یا بجز رادیو اترناسیونال کلام رادیو مرتبا و کمپینی اعتراضات کارگری مثلا مورد سیمین اصفهان، نساجی ها، اعتصاب بشهر، اعتصابات پتروشیمی ها، اول ماه مه ها، روزهای هشتم مارس و حجاب سوزان، ناآرامی ها در شهرهای مختلف، اعتراضات در دانشگاه، ۱۸ تیر و غیره را منعکس کرده است. رادیوهای دیگر عمدتا به مسائل دانشجویان و آنهم در معادله محدود تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی و در بهترین حالت اتحادیه ملی دانشجویان پرداخته اند. یا در مورد مسائل کارگری که اینها کاملا ساکت هستند. فوقش گزارش میدهند از زبان فلان مسئول خانه کارگر و شورای اسلامی که نارضایتی شان ناشی از رقابتهایشان با مشارکتی ها و مثلا انجمنهای صنفی است. اینجا بحثی از آزادی اعتصاب و تشکل و اضافه دستمزد و ممنوعیت اخراج و جایگاه طبقه کارگر در تحولات سیاسی و غیره نیست. همانطور که گفتم این ناشی از یبختی نیست، برعکس نتیجه خط سیاسی و جانبداری سیاسی این رادیوها در قبال رویدادهای ایران است. رادیو اترناسیونال به اردوی مردم مخالف جمهوری اسلامی و طرفداران آزادی و خوشبختی و حق فردی و اجتماعی تعلق دارد. به این معنی و در مقایسه با تریبونهای موجود، و با فرض محدودیتها، ما صدای واقعی این جنبشها بوده ایم.

- پیروز باشید.

نامه های شما

گروه (fairmusic)
گذر از سیاهی، بیا!

در نامه ای به بهرام مدرسی شعی (ترانه ای؟) را بمناسبت ۱۶ آذر فرستاده اند:

«بیا فردا روز نو باشه، از این سدی خونه برگرد؛ \ بزن از نو صدا و زیر سقف خونه جهل بگو؛ \ بگو، از لبخند بگو؛ \ بگو، از گل بگو؛ \ بگو، از رفع ظلم و ستم و زور بگو؛ \ بخون تا دوباره پرند ها بال بزنند؛ \ بخون تا سپیدی روز، ثانیه ها بزنند؛ \ زیر سقف خونه جهل باید از واژه سخن گفت، بیا! \ نگار ثانیه ها ساکت و بی صدا بزنند؛ \ ساکت و بی صدا بزنند؛ \ باید از عشق به فردا شروع کرد، بیا! \ باید از نو شروع کرد، شروع کن، بیا! \ باید از درد و سیاهی گذر کرد، بیا! \ باید از عشق به فردا شروع کرد، بیا!»

ادرس اینترنتی (فرمیوزیک):

<http://user.blue.de/fair/>

سارا از ایران
اخبار بهتر از همدان

در نامه ای به اسد گلچینی نوشته اند: «... دانشگاهی که در آن تحصیل میکنم از غیر سیاسی ترین دانشگاههای ایران است. تا دیروز که آنجا بودم کلمه ای از ۱۶ آذر نشنیدم... وضعیت خفقان در اینجا حکمفرماست. تأثیر امینی ویژه ای اینجا هست بطوری که تمام دانشجویان تحت نظر هستند... اما از شهر همدان خبرهای بهتری دارم. گویا آنجا صحبت هایی شده است، دانشگاه همدان همیشه فعال بوده است، امیدوارم اینبار هم شاهد حرکت مناسبی باشیم. در ضمن کوی دانشگاه تهران هم تحت نظر شدید است... مسئولان رژیم در ۱۶ آذر بیکار نمی نشینند، باید بیشتر فکر کنیم تا شهرهایی که آمادگی جنبش دارند را فعال کنیم. بعضی دریافت اخبار درست به شما اطلاع میدهم.»

ارسطو (از ایران؟)
کمونیسم را تعریف کنید!

«با سلام آقای صابر من چند عدد سوال داشتم که اگر برایتان امکان دارد به آنها جواب بدهید. من قبلا هم برای شما تی میل فرستادم ولی به من پاسخ ندادید؟ میخواستم یک تعریف جامع و کامل در مورد کمونیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم، از نقطه نظر حزب کمونیست کارگری یا سازمان جوانان برای من بدهید. با کمال تشکر.»
ارسطو عزیز، معمولا نامه ای بیجواب نمی ماند. بهر حال ببخش. سوال هایت هم سهل و هم مستنن اند. جواب جامع و کامل دادن به این سوالات آنها از موضع حزب لازمه اش تکرار اسناد پایه ای حزب است. مثل «یک دنیای بهتر»، «مارکسیسم

و جهان امروز»، «تفاوت های ما»، مانیفست کمونیست و غیره. باید این اسناد را حتما خواند. اما بعنوان یک سرخ شاید چند کلمه ای بد نباشد: سوسیالیسم چه به عنوان یک جنبش اجتماعی و چه به عنوان یک جامعه معین، تاریخا بعنوان نقد و آلترناتیو سرمایه داری مطرح شده و متکی بر رعایت منافع جمعی، تعاون و همکاری انسانها در مقابل ایده های لیبرالی مبنی بر اصالت فرد، قرار گرفته است. ولی سوسیالیسم انواع گوناگونی دارد، طوری که دادن یک تعریف واحد از همه اینها غیر ممکن است. نه فقط طبقه کارگر، بلکه اقشار و طبقات ناراضی در جامعه موجود و حتی بخش هایی از طبقه حاکمه سوسیالیسم های خاص خودشان را دارند. ما به اینها سوسیالیسم های غیر پرولتاری و بورژوازی میگویم. برای دنبال کردن سابقه ای از این موضوع میتوانی به مانیفست کمونیست فصل سوم آن رجوع کنی. برای درک سوسیالیسم های غیر پرولتاری زمان ما به تفاوت های ما اثر حکمت رجوع کنید.

کمونیسم اما از ابتدا بیشتر با جنبش طبقه کارگر برای رهایی گره خورده بود. در دوره مارکس و انگلس، سوسیالیسم کارگری خودش را کمونیست مینامید و بهمین دلیل هم مارکس و انگلس اسم مانیفست خود «مانیفست حزب کمونیست» قرار دادند. بعدها البته همین کمونیسم هم اساسا توسط جنبش طبقات دیگر تسخیر شد و برای سالها کمونیسم رسمی چیز جز اینتولوزی دولت های سرمایه دار بلوک شوروی نبود. واضح است که این دیگر هیچ ربطی به کمونیسم کارگری و کمونیسم مانیفست نداشت. بهمین دلیل ما کمونیست های مارکسی به جنبش خود کمونیسم کارگری میگویم تا از جنبش های طبقات دیگر که به اسم کمونیسم و سوسیالیسم حرف میزنند، متمایز شویم. (در این مورد هم حتما سمینار اول کمونیسم کارگری، جلد ششم آثار حکمت را بخوانید).

و اما مارکسیسم چیزی جز تئوری کمونیسم (همان کمونیسم کارگری مارکس) نیست. در اینجا هم البته «مارکسیست» های رنگارنگ داریم. از کسانی که مثلا میخواهند دوم خرداد را به اسم مارکس به خورد مردم بدهند تا کسانی که دمکراسی، ناسیونالیسم و حتی خود سرمایه داری را تحت نام «مارکسیسم» زینت میکنند و لعاب میدهند. اما رجوعی ساده به مثلا مانیفست کمونیست به هر خواننده منصفی نشان میدهد که مارکسیسم چیزی جز نقد طبقه کارگر به سرمایه داری و تئوری انقلاب او برای رهایی خود و بشریت نیست. هسته اصلی مارکسیسم و یا تئوری کمونیسم اینست: الغاء مالکیت بورژوازی بر وسائل تولید اجتماعی. و برای این کار هم باید طبقه کارگر قدرت و دولت سرمایه داری را به زیر بکشد، قدرت خود را مستقر کند و در راس مردم جامعه نوینی را سازمان دهد که در آن بردگی مزدی لغو میشود و به جای کار برای مزد، کار داوطلبانه و خلاق، به جای

از خود بیگانگی، اختیار انسان، بجای محرومیت و فقر و تبعیض و بی حقوقی، آزادی و حرمت و برخورداری از نعمات اجتماعی، به جای تناقض فرد و جامعه، تعاون و همکاری انسانها و تعالی بی حد و مرز هر فرد، می نشینند.

البته یک نکته دیگر هم اینست که در ادبیات مارکسیستی (مثلا «نقد برنامه گوتا» مارکس، و «دولت و انقلاب» لنین) سوسیالیسم به جای مرحله یا فاز پایینی جامعه نوین، و کمونیسم به منظور اشاره به فاز نهایی آن به کار برده شده است، که این البته چهارچوب بسیار مشخص و محدودی برای معنی این لغات است.

گویا کوشا (شمال کردستان)
حزب کوچه و خیابان

در نامه ای خطاب به کنگره چهارم حزب و شرکت کنندگان و میهمانان آن از جمله نوشته اند: «کنگره ۴ را باید کنگره پیشروی نامگذاری کرد... شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی فراهم است. تلاش برای جمهوری سوسیالیستی به دوش ما کمونیستها افتاده، باید آرا به نتیجه رساند. تنها جریانی که کنگره آزاد (علنی) را اجرا میکند جابگوی (امروز) و حتی آینده هم هست. حزب کمونیست کارگری باید حزب کوچه و خیابان و توده مردم باشد. این را از کنگره ۴ انتظار داریم. پیروز باشید!»

امید راد (ایران)

سازماندهی سیاسی و نظامی

در نامه ای خطاب به کنگره نوشته اند: «رفقا کنگره ۴ زمیندار راه است. گرچه به علت وحشیگری حکومت مذهبی امکان شرکت علنی ما در این کنگره مقدور نیست، ولی ما امیدواریم تصمیمات شما در این کنگره همچون ۳ کنگره قبلی اراده توده های به جان آمده او وحشیگری مذهب و سرمایه را به همراه داشته باشد. کنگره ای باشد که اراده طبقه کارگر را برای کسب قدرت سیاسی در ایران تحت تحول را نمایندگی کند. این مهم بی شک بدون اراده شما رهبران جنبش کارگری میسر نیست.» ایشان همینطور به نکات مشخصی نظیر ضرورت سازماندهی سیاسی و نظامی تشکیلات حزب در داخل کشور اشاره کرده اند. رفقای عزیز امید و گویا! قبل از هرچیز از نامه هایتان سپاسگزاریم. از شما میخواهیم مکاتبه مرتب با سازمان جوانان کمونیست و نشریه اش را جزو کار دائمی تان قرار دهید. نامه های شما را برای بهرام مدرسی ارسال میکنیم تا در اختیار شرکت کنندگان و نمایندگان کنگره قرار گیرد. پیروز باشید.

سیما امیدوار تهران
تشکر!

از جوابی که در شماره قبل به نامه او دادیم تشکر و اضافه کرده اند: «آقای صابر عزیزم جوابی که به آقای کیوان فضلی دادید را من خیلی

پسندیدم. من هم نمی فهمم استفاده از جملات و لغات پیچیده چه سودی دارد؟ خود من سخت طرفدار بیان ساده هستم. و همینطور طنز که نه تنها یک حرکت بورژوازی نیست بلکه میتونه بورژوازی رو سخت به سخره بگیره و یک حرکت انتقادی در قبال بورژوازی باشه. ولی نه هر طنزی که این بماند.»

آرش سرخ تهران
محل تجمع ۱۶ آذر

پرسیده اند که محل تجمع ۱۶ آذر کجاست. به اطلاع میرسانیم که سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری همه جوانان و اقشار مردم را به اجتماع در برابر دانشگاهها در سراسر کشور فراخوانده با شعار: «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زنده باد آزادی و برابری».

اسد حکمت اصفهان
قبل بار می آید!

«با تشکر از نشریه ۱۱۷ و سرمقاله در باره گرجستان. درخواست داشتم: دوست دارم این بحث را در نشریه راه بیندازیم که (خوانندگان) نشریه و مخاطبان سازمان جوانان، خود آنها باید فعالیت کنند. جو طوری شده که چشم همه به شماست و به نظر من این کمی جوانان را تنبل بار می آورد. کتاب نخواند و مطالعه نکرده سوالات دست هشتم را میکنند. ببینید مثلا اگر انتقادی هست چرا شما جواب بدهید. خود مسئول اند و باید جواب بدهند. نکته دیگر بعضی دوستان فکر میکنند که این یک مجله پرسش و پاسخ است. بلکه به نظر من همان رؤس کمونیسم کافی است. این فضا کمی به ضرر نشریه است. اینگونه جوید کردن مطلب برای مخاطب هیچگاه ما را به هدف نمی رساند. مثلا بعضی از بچه ها که با آنها پت میکنم اصلا حاضر به تظاهرات و حتی بحث در محافل یا پخش نشریه نیستند. فقط خوانندگانی هستند که خواندن نشریه را کافی میدانند و فکر میکنند که وظیفه خود را انجام داده اند. لطفا یک بار دیگر مصاحبه با کوروش مدرسی را چاپ کنید. ممنون.»

اسد عزیز، مصاحبه با کوروش مدرسی را در فرصتی مجددا چاپ خواهیم کرد. و همین الان هم در سایت سازمان و در آرشیو جوانان کمونیست (بعد از ۶۵) موجود است. ضمن احترام عمیق به شور و شوق تو، ولی فکر میکنم کمی تند برخورد میکنی. میشود و باید همیشه توقعات را از خوانندگان بالا برد. میتوان و باید تلاش کرد سطح بحث هایمان را در نشریه بالا ببریم. اما همه اینها را باید طوری گفت که کسی را معذب و مقید نکند. خیلی باید خوشحال باشیم که کسی نشریه ما را دانما بخواند. خب کافی نیست؟ کارهای بیشتری باید انجام پذیرد؟ فکری برای آن بکنیم. باید تشویق آمیز تر حرف زد. خیلی خوب است که دوستان سوالاتشان را

میفراستند و ما جواب میدهم. سوالات خوب و مناسب نبوده است؟ جوابها بی ربط و یا کشف بوده است؟ خب باید مشخص گشت. یکی دو صفحه این نشریه حقیقتا «پرسش و پاسخ» است. منتها منم قبول دارم پرسش ها باید واقعی باشد و مشکلات معینی را حل کند. کلا منم تمام نگرانی های تو را دارم. منم دلم میخواد کمونیست های جوان بیشتر و عمیقتر مطالعه کنند و بویژه مارکس و حکمت را بخوانند. منم مثل تو دلم میخواد عملا دخالتگری کمونیستهای جوان از طریق همین نشریه و خوانندگانش قوی تر و گسترده تر بشود. البته که موقعیت هر سازمانی، از جمله سازمان جوانان کمونیست، به میزان فعالیت و تحرک و ابتکار اعضایش گره خورده است. ولی باید همه روحیات را در نظر گرفت و باید فضای سیاسی، رزمند و احترام آمیزی ایجاد کرد تا انسانها به اختیار و اراده خودشان انتخاب کنند، به شور و وجد بیایند و دامنه تاثیر گذاریشان برای تغییر دنیای فعلی را گسترش دهند. منم مثل تو خوانندگان را دعوت میکنم تا در این بحث شرکت کنند.

کیوان فضلی
بازهم در باره طنز

دوست عزیزم کیوان نامه مفصل شما رسید. علیرغم همه اختلافاتی که با شما حس میکنم برای پیگیری و کوشش شما احترام قائم. اما گمان نمی کنم شما نکته ای از بحث ما را (در شماره ۱۱۷) پذیرفته باشید. جز اینکه خوب کاری کردیم که به تفصیل به نوشته شما پرداختیم. اما با پوزش بسیار فکر نکنم لاقول فعلا پرداختن به نوشته دوم شما ممکن باشد. اول اینکه حقیقتا فرصت نیست و دوم اینکه تردید دارم مشکلی را از خوانندگان حل کند. فقط تاکید کنم که همانطور که در شماره قبل بارها تاکید کردم، بحث فی الواقع بر سر طنز نبود. بحث بر سر نحوه تفکری خاص و موضع گیری سیاسی در قبال مذهب بود. بخش مهمی از جواب به نوشته دوم شما جز تکرار همان نکاتی که در شماره قبل آمد نخواهد شد. ولی امیدوارم فرصتی دست بدهد تا راجع به «فلسفه» و فیلسوف هایی که در نوشته اخیرتان اسم برده اید صحبت کنیم. همینطور در مورد بحث «عرصه خصوصی، عرصه عمومی»، دستان را میفشارم.

مجید امیدی (ایران)

وقتی موج شما را یافتم

«... من بر حسب تصادف موج رادیوی شما را پیدا کردم. قبلا به رادیو بی بی سی و آمریکا یا هر رادیوی دیگر گوش میدادم. و از زمانی که موج شما را پیدا کردم، از روزیکه به سلسله بحث ها و تفسیرها گوش دادم، اطلاعات زیادی به دست آوردم. بخصوص در باره ناسیونالیسم و بحث های حمید تقوایی در مورد آن. و معتقدم گفته های شما و رفقا عین حقیقت و بر اصول انسانیت زاده میشود. موفق باشید.»

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر

به وقت تهران
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

حجاب داره! وای خدا، دیگه غیرت مردی و مردونگی از این مملکت رفته، معلوم نیست چی به سر این جوونا اومده، هر جا رو می بینی پر از فسق و فجوره ...
وقتی رفت گفتیم: راستی مامان می دونی فجور یعنی چی؟

خاکستری

به بهانه روز جهانی ایدز

فردا (دوشنبه اول دسامبر) روز جهانی مبارزه با ایدز است. به این بهانه توجه شما را به آماري که در این زمینه ارائه شده جلب میکنم. بنا به آمار معتبر بدست آمده از منابعی در وزارت بهداشت تعداد مبتلایان به ویروس ایدز در ایران ۳۰ هزار نفر تخمین زده میشود. که از این تعداد تنها ۵۷۸۰ نفر شناسایی شده اند. (جالبه از ۳۰ هزار نفر ۵۷۸۰ نفر یعنی ۹۵ درصد از افراد آلوده مرد و ۵ درصد زن هستند. اینجا نکته ای حائز اهمیت هست، رودریاستی زنان از ابراز آلودگی خود میباشند. چون همچنین تناسبی با هم ندارند) انتقال تزریقی با ۶۳ درصد همچنان راه اصلی انتقال ویروس گزارش شده و ۷ درصد از طریق انتقال آمیزشی (اینکه راه اصلی از تزریق مواد و سرنگهای آلوده میباشد شکی نیست ولی درصدی که برای انتقال از راه آمیزش داده شده خیلی مضحک است)

اینکه خود ارائه دهنده آمار هم از نا معتبر بودن اون خبر میده جای تعجب داره. هرچند که نمیشه آمار دقیقی درآورد ولی اگه فرض کنیم این آمار ۱۵۰ هزار نفر باشه چون طبق معمول آمار ایران همیشه یکی دو تا که سهله، هزاران تا فرق میکنه. به هر حال اون چیزی که مشخصه اینه که این آمار روز به روز داره بالاتر میره و این اصلا نشانه خوبی برای یک کشور در حال توسعه نیست هرچند که این مقوله ها از خاصیت کشورهای در حال توسعه است...

ترکمون یا تقناپذیر یا عقده ای یا سطحی یا لوس و حال گیر ... وقتی تا الان غریبه ها این حرفا رو می زدن و من به حساب نشناختن میذاشتم اما حالا ...خب ...
خب حرف نمی زنم.
سکوت ...

یل د ا

http://baraye.persianblog.com

یه کاپشن نارنجی خوشرنگ خریدم. وقتی می پوشمش احساس نشاط می کنم.

من: بابایی ببین بهم میاد؟
بابا: آره دخترم قشنگ شدی، اما رنگ سرمه ای یا سبز تیره نداشت؟!

من: آخه چرا؟ مگه قشنگ نیست؟

بابا: چرا... قشنگه بابا، قشنگه. فرداش من و مامان، زن همسایه رو جلوی در دیدیم. می گفت:

- وای خانوم جون به خدا دوره آخرالزمان شده. دیدین جدیدا این جوونا با چه ریختها و چه لباسهای اجق و جقی میان بیرون. دیگه شرم و حیا ندارن. واه واه چه رنگهایی. پسره با اون قد درازش یه پلور نارنجی پوشیده بود یه زنجیر هم انداخته بود به این کلفتی! موهاشم دمب اسبی! بسته بود مثل زنها! دست به دختر بدتر از خودشو هم گرفته بود داشت میرفت. دختریه سلطه هم یه کاپشن کوتاه قرمز پوشیده بود یه روسری یه وجبی هم سرش بود فکر می کرد



کارت قرمز، کاپشن نارنجی و سکوت! لینک



علی فرهنگ

ادعای جانشینی خدای موهوم آسمانی را -به نیت خدایی کردن- نمایند.

Runaway Blogger

شاید هم مادرزادگم راست می گه. شایدم تو راست می گی. شاید باید ساکت باشم تا عزیز باشم. ساکت و مطیع. به به چه محترم. به به چه خانومی. چقدر این دختر شما خانومه، اگر از دیوار صدا در اومد از اونم دراومد.

وقتی که حرفام درست برداشت نمیشن، وقتی که مردم منظورم رو درست نمی فهمن، وقتی که من دارم عین خودم حرف می زنم و دورو نیستم ولی اونا ممکنه فکر کنن من تنم میخاره یا دلم دوست پسر میخواد یا منحرفم یا دارم عشوه میایم یا دارم برای خودم تبلیغ می کنم یا دارم لاس می زنم یا دارم مشتری جمع می کنم یا مغرورم یا کوتاه فکر یا عامی یا

خاکستری

http://www.siahsepid.com/weblog/

رستوران داران تهرانی به مشتریان بدحجاب کارت قرمز نشان میدهند!

شهرداری که شهردارش رسماً چاقوکش باشه بیشتر از اینم نمیشه ازش انتظار داشت:

به گزارش روزنامه شرق، اخیراً تعدادی کارت قرمز و زرد از سوی اداره اماکن نیروی انتظامی تهران دربین برخی رستورانهای این شهر توزیع شده است که قرار است از سوی مسئولان رستوران به مشتریانی که شئون اسلامی را رعایت نمی کنند ارائه شود.

به نوشته این روزنامه جالب اینجاست که قواعد این کارت ها همان قواعد فوتبال است اول کارت زرد در بشقابی جلوی مشتری قرار میگردد و معنی و مفهوم آن این است که مشتری تا چند لحظه دیگر اگر شئون را رعایت نکند کارت قرمز خواهد گرفت. بشقاب با کارت قرمز هم دیگر نیازی به بحث و گفت و گو ندارد و مشتری باید به سرعت رستوران را ترک کند. روز به روز پیشرفت میکنیم!

پاگنده

http://pagondeh.com

«... تمام عمرشان را صرف پیدا کردن معضلاتی مثل ورود به خلا (مسترا) با پای چپ یا راست میکنند و در آخرسهم با سر به خلا سقوط می کنند...»

- فرعون های مصر به مراتب درستکارتر از مبلغان مذاهب آسمانی بوده اند. به سادگی هر چه تاملتر ادعای خدایی می کردند، نه آنکه

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

شیوا فرهمند

مجید پسنچی

نیز احمد زاده

حامد خلکی

سامان احمدی

فرشاد پویا

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی:

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

هاند:

آلمان:

سوئد:

کانادا:

انگلاستان

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

دبیر کمیته مرکزی:

مشاور دبیر:

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید:

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!